

# مروری بر عوامل مؤثر بر استدلال و رفتار اخلاقی

## رفتار اخلاقی کودکان

### چگونه شکل می‌گیرد؟

دکتر صغری ابراهیمی قوام

است (برای مطالعه‌ی بیشتر به این کتاب‌های روان‌شناسی تربیتی مراجعه شود: اسنزاده، ۱۳۸۵؛ سیف، ۱۳۸۵؛ ابراهیمی قوام، ۱۳۸۵).

نظریه‌ی رشد اخلاقی گیلیگان، با نظریه‌ی کلبیگ درباره‌ی مرحله‌ی اول استدلال اخلاقی که بر مبنای خودمحموری است، اتفاق نظر دارد، ولی گیلیگان یافته‌های پژوهش کلبیگ را که حاصل تحقیق با آزمودنی‌های مذکور بود، مورد سؤال قرار داد. او اعتقاد داشت که تصمیمات اخلاقی زنان، بیشتر بر مبنای اخلاق نوع‌دوستی است، تا اصل اخلاقی عدالت. گیلیگان بر این باور است که خودمحموری، به تأکید و تمرکز بر افراد و روابط خاص تبدیل می‌شود و بالاترین سطح اخلاق مبتنی بر اصل مسئولیت‌پذیری و توجه به همه‌ی افراد است. در نظریه‌ی گیلیگان، رشد اخلاق زنان در سه سطح مطرح است: سطح اول، «جهت‌گیری به سوی نجات فرد» است و انتقال از خودخواهی به مسئولیت‌پذیری صورت می‌گیرد. سطح دوم، «نیکی به مثابه‌ی ایثار» است و مستلزم ظاهر شدن حس مسئولیت و توجه همسان به خود و دیگران. سطح سوم، «اخلاق عاری از خشونت» است که در آن، حل و فصل تعارضات بین خودخواهی و منفعت‌طلبی، و دگرخواهی و توجه به دیگران مطرح می‌شود.

نظریه‌ی دیگر در این خصوص، «مدل لیکونا» است که بر ارتقاء و تسهیل رفتار اخلاقی فراگیران مبتنی است و چهارمؤلفه پیشنهاد کرده است. این چهار مؤلفه عبارت‌اند از: عزت نفس، یادگیری مشارکتی، تفکر اخلاقی و تصمیم‌سازی جمعی. لیکونا بر این باور است که کاربرد نظام‌مند از این مدل، موجب افزایش رفتار اخلاقی شاگردان می‌شود. لیکونا (۱۹۸۳)، عزت نفس را حس شایستگی یا تسلط تعریف می‌کند. لذا معلم باید از ویژگی‌های منحصر به فرد، علاقه‌ها و سرگرمی‌های فراگیرنده آگاه باشد و آن‌ها را در ارائه‌ی تکالیف یا محتوای درس به کارگیرد. معلم باید

**درآمد**  
استدلال اخلاقی، دامنه‌ی وسیعی از رفتارهای دانش‌آموزان را، از جمله: تقلب در جلسه امتحان، پذیرش یک هم‌کلاسی، میزان تسهیل و تسریع یادگیری مشارکتی، احترام گذاشتن به مقررات، رعایت ادب و... دربرمی‌گیرد. لذا استدلال اخلاقی نه تنها بر شیوه‌ی رفتار یادگیرنده در کلاس، تأثیر می‌گذارد، بلکه نگرش او را نیز درباره‌ی «درست یا غلط بودن» جهت‌گیری در خصوص میزان اهمیت یا ارزش امور، محتوای درس یا موضوع درسی متأثر می‌سازد.

هر دانش‌آموز، روزانه صدها بار به تفسیر امور می‌پردازد و تصمیماتی می‌گیرد که همگی مستلزم استدلال اخلاقی هستند. بنابراین، معلمان و مشاوران باید از زیربنای رشد اخلاقی آگاهی داشته باشند. زیربنای برخی از نظریه‌های رشد اخلاقی، دارای رویکرد رشدی - تحولی است؛ مانند نظریه‌ی پیاژه و نظریه‌ی کلبیگ.

در نظریه‌ی پیاژه، رشد اخلاقی دارای دو مرحله‌ی بیرونی یا واقع‌گرایی است که به رده سنی زیر ۱۰ سال اشاره دارد. در اواخر مرحله‌ی «عملیات عینی»، مرحله‌ی دوم رشد اخلاقی، یعنی «اخلاق جمعی» آغاز می‌شود که در آن، نسبت به مرحله‌ی قبل، قوانین از دیدگاه کودک انعطاف‌پذیرتر شده‌اند و مذاکره درباره‌ی آن‌ها را مجاز می‌شمرد و علاوه بر پیامدها و عواقب عمل، نیت فرد را در قضاوت دخالت می‌دهد. تفاوت رویکرد حاکم بر رشد اخلاقی کلبیگ با پیاژه، در این است که هرچند یک مرحله‌ی خاص از رشد شناختی، پیش‌نیاز استدلال اخلاقی فرد است، اما تضمین‌کننده‌ی آن نیست. کلبیگ سه سطح رشد اخلاقی به این شرح مطرح کرده است: مرحله‌ی پیش متعارف (چهار تا ده سالگی)، مرحله‌ی متعارف (ده تا سیزده سالگی) و مرحله‌ی پس متعارف (سیزده سالگی و بالاتر) که هر یک از سه سطح، دارای دو مرحله جداگانه

**\* معلم باید رفتارهای اخلاقی فراگیران را مورد توجه، تشویق و قدردانی قرار دهد**  
**\* فراساخت، تفکر درباره‌ی تفکر یا دانستن، و دانسته‌های خود است. فراساخت به توانایی شناختن و کنترل کردن فرایندهای شناختی اشاره دارد**



۵۴

نورده ی سوم / شماره ی نهم / پاییز ۱۳۸۶

رفتارهای اخلاقی فراگیران را مورد توجه، تشویق و قدردانی قرار دهد. عامل دیگر، استفاده از یادگیری مشارکتی برای ارتقای فراگیری دانش آموزان است.

راهبرد دیگر در این خصوص تشویق دانش آموزان به معرفی هم کلاسی‌هایی است که به آن‌ها کمک کرده‌اند و یا صفات مثبتی را در آن‌ها ملاحظه کرده‌اند. به این وسیله، فراگیرندگان روابط کیفی خود را با دیگران، به ویژه هم‌کلاسی‌های خود، ارتقا می‌بخشند. عامل دیگر، تفکر اخلاقی است. برای ارتقای تفکر اخلاقی، فرصت‌هایی برای بحث، خواندن، نوشتن و اندیشیدن در خصوص موضوعات اخلاقی و یا موضوعات علمی در این زمینه، باید در نظر گرفت. آخرین مؤلفه‌ی مدل لیکونا، تصمیم‌سازی جمعی است که به معنای مشارکت دادن دانش آموزان در اتخاذ تصمیم‌های کلاس درس است. به این ترتیب، دانش آموزان نسبت به قوانین وضع شده احساس تعلق خواهند کرد.

### فراشناخت و استدلال و رفتار اخلاقی

فراشناخت، تفکر درباره‌ی تفکر یا دانستن، و دانسته‌های خود است. فراشناخت به توانایی شناختن و کنترل کردن فرایندهای شناختی اشاره دارد. مهارت‌های فراشناختی، شامل نظارت، نظم‌بخشی و کنترل، فرد را قادر می‌سازند، اشراف بیشتری نسبت افکار و باورها خود پیدا کند و بتواند، از خویشتن‌داری، خود تنظیمی، خوداندیشی و خودآوازی بهره جوید.

در مطالعه‌ای که سوانسون و هیل در خصوص جنبه‌های فراشناختی استدلال و رفتار اخلاقی به عمل آوردند، یافته‌هایی به دست آمده‌اند که قابل تأمل هستند و مسئولان آموزشی، از جمله مشاوران می‌توانند در درک بهتر رابطه‌ی فراشناخت و استدلال و رفتار اخلاقی از آن‌ها بهره گیرند. یافته‌های مذکور عبارت‌اند از:

۱. با افزایش سن، میزان دانش درون‌نگری نظام اخلاقی با فراشناخت هماهنگ می‌شود.
۲. تحول آگاهی اخلاقی، بیشتر با دانش خاص مرتبط است، تا دانش کلی و عمومی. دانش خاص، شامل نحوه‌ی پاسخ فرد به مسائل و موضوعات اخلاقی بر اساس تجربه‌های زندگی است.
۳. تصمیمات اخلاقی بر اساس سن و سطح تحول گرفته می‌شوند.
۴. نحوه‌ی تعریف معیارهای اخلاقی با مشکلات اخلاقی فرد مرتبط است.
۵. نحوه‌ی سازمان‌دهی اطلاعات، بر استدلال اخلاقی فرد مؤثر است.
۶. استدلال اخلاقی فرد، وابسته به زمینه‌ای است





\* به نظر لیکونا،  
معلم باید از  
ویژگی‌های  
منحصر به  
فرد، علاقه‌ها و  
سرگرمی‌های  
فراگیرنده آگاه  
باشد و آن‌ها را در  
ارائه‌ی تکالیف یا  
محتوای درس به  
کار گیرد

استفاده کند.

استدلال اخلاقی یا فراشناخت اخلاقی، با سن مرتبط است. کودکان بزرگ‌تر درک درست‌تری از فرایندهای قضاوتشان دارند. همچنین، سطوح عالی اخلاقی فراشناختی، به شدت وابسته به استدلال و رفتار اخلاقی است [مانس دربان، ۱۹۸۳]. فراشناخت اخلاقی، نحوه‌ی استدلال کودکان را نسبت به اقداماتشان تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنان می‌توانند، جنبه‌های اخلاقی رفتارشان را تشخیص دهند، بین عمل اخلاقی و استدلال اخلاقی رابطه برقرار کنند، و از آن‌ها در قضاوت اخلاقی پیرامون تعیین اقداماتشان بهره گیرند.

### ارتقای سطح خود نظارتی فراگیرندگان

افراد تمایل دارند، هر عملی را به نحو مقتضی انجام دهند [میچسرنو و ملاتر، ۱۹۸۶]. خود نظارتی، سطحی از خودآگاهی است که فرد نسبت به تمامیت روان‌شناختی خویش پیدا می‌کند. همچنین، خود نظارتی می‌تواند، سطح سازگاری و انطباق اجتماعی فرد را نیز متأثر سازد. خود نظارتی در دو سطح صورت می‌گیرد: سطح شخصی یا فردی که به واسطه‌ی خودنگری، فرد از نگرش و احساس خودآگاه می‌شود. و سطح گروهی که خود نظارتی از طریق مشاهده‌ی

که فرد در آن قرار دارد. همچنین در این مطالعه و برخی از مطالعات دیگر، مشاهده شد، کودکان خردسال‌تر قادر به استدلال اخلاقی سطح بالاتری نسبت به کودکان بزرگ‌تر بودند [المینگ، ۱۹۷۸]. این امر می‌تواند متأثر از عوامل متفاوتی باشد؛ همچون: انگیزه، شرایط زندگی، محیط کنونی، و تلاش‌هایی که فرد در سازمان‌دهی افکارش دارد و بر سطح پهنه‌ی تفکرش تأثیر می‌گذارد.

۷. همبستگی بالایی بین رفتارهای اخلاقی روشن، مانند بیان درستی و نادرستی رفتارهای معین، وجود دارد.

۸. ارتباط بین فراشناخت، و استدلال و رفتار اخلاقی در مطالعات گوناگون به تأیید رسیده است [کاونوف و بوروکوسکی، ۱۹۸۰؛ کاونوف و پرلموتر، ۱۹۸۲؛ کورتز و بوروکوفسکی، ۱۹۸۴].

فراشناخت اخلاقی، به دانش فرد یا آگاهی او، از ماهیت، اصول و فرایندهای (مانند راهبردها) اخلاقی اشاره دارد. کاربرد فراشناخت در استدلال و رفتار اخلاقی، متأثر از نظارت شناختی است [کلبرگ و کاندی، ۱۹۸۴]. نظارت شناختی، از طریق تنظیم و پی‌گیری فرایندهای تفکر، مانند قضاوت اخلاقی، صورت می‌گیرد. این تنظیم که با دانش فراشناختی فرد در تعامل است [فلاول، ۱۳۸۱]، در حافظه‌ی درازمدت ذخیره می‌شود و فرد می‌تواند از آن‌ها به نحو اثربخشی



می‌توان از یک نشانه‌ی شنیداری یا دیداری برای معنا بخشیدن به واری رفتار استفاده کرد.

### داشتن طرحی برای تحقق برنامه

وقتی روش خود نظارتی برای گروهی از دانش‌آموزان یا کل کلاس به کار گرفته می‌شود، ابتدا شرح مختصری در مورد این روش، موجب تمرکز فراگیرندگان روی موضوع می‌شود و آنان را قادر می‌سازد، در مقاطع زمانی مشخص، به رفتار خودشان یا همکلاسی‌هایشان توجه کنند. تأکید اصلی باید بر خودگزارش‌دهی واقعی فراگیرندگان و صحبت آن متمرکز باشد، ولی رفتارشان، چه به صورت مثبت و چه به صورت منفی، نباید مورد قضاوت قرار گیرد. مفهوم پذیرش مسئولیت رفتار خود و وجدان، باید برای کودکان توضیح داده شود و این که وقتی ندای درونشان را می‌شنوند، در قبال آن مسئول هستند. در این خصوص توصیه می‌شود:

●● نسبت به خودگزارش‌دهی‌های صحیح، از تشویق و تمجید استفاده کنید.

●● از دانش‌آموزان دیگر بخواهید که درباره‌ی رفتار دانش‌آموز معینی اظهار نظر کنند.

البته قبل از آن باید شیوه‌ی توصیف به طور عینی برای افراد بیان شود.

### جمع‌بندی

باتوجه به اهمیت استدلال و رفتار اخلاقی دانش‌آموزان سطوح متفاوت تحصیلی، ضروری است، به کمک عوامل تأثیرگذار و با استفاده دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه، گسترش و ارتقای استدلال و رفتار اخلاقی را صراحت بخشید. لازم است مفهوم فراشناخت، به عنوان مفهومی که به فرایندهای عالی تفکر اشاره دارد، در مدارس و برای دانش‌آموزانی که قابلیت کسب آن را یافته‌اند، بیشتر مورد توجه قرار گیرد و از آن به عنوان ابزار مؤثری در جهت ارتقای تفکر انتقادی و خلاق بهره‌گرفت و معیارهای نظارت بر افکار و اعمال را به نحوی که متناسب با هر فراگیرنده باشد، مطرح ساخت.

#### منابع

۱. پارسونز، هینسون و سار دوویرا (۱۳۸۵). روان‌شناسی تربیتی. ترجمه اسدزاده و اسکندری. انتشارات عابد چاپ اول.
۲. سیف، علی اکبر (۱۳۸۵). روان‌شناسی پرورشی. انتشارات دوران.
۳. فونتانو دیوید، روان‌شناسی در خدمت معلمان. ترجمه‌ی صغری ابراهیمی قوام (۱۳۸۵). انتشارات منادی تربیت. چاپ سوم.
4. <http://faculty.deanze.edu>
5. Swanson, H. Lee and Hill, Gloria (1993). Metacognitive. aspect of moral reasoning and behaviour.
6. <http://findarticles.com/articles/ml-m2248-is-n111v28/al-14606003-6>.
7. [www.do21earn.com/disability](http://www.do21earn.com/disability).

رفتارها و واکنش‌های دیگران نسبت به خود صورت می‌گیرد. سطح دوم، بر میزان سازگاری و انطباق جویی فرد با دیگران، آثار مثبتی به جای می‌گذارد. افراد در این سطح خودنظارتی، بنا به شخص و موقعیت و رفتارشان را تنظیم می‌کنند، اما در نوع اول، خودنظارتی منعکس کننده‌ی احساس‌ها و نگرش‌های درونی‌شان است و احتمال این که بنا به موقعیت یا فرد، تغییر یابد، ضعیف است [گرین برگ و بارون، ۱۹۹۰].

هر نظام خودنظارتی، چه فردی چه گروهی، باید شامل موارد زیر باشد:

**تعیین هدف:** رفتار یا رفتارهایی را که مستلزم تغییر یا تقویت، و گسترش و یا تعدیل هستند، مشخص سازید.

**نظم و ترتیب:** واری رفتار باید به طور پیوسته در طول زمان صورت گیرد. فرد باید روی رفتارهای خود متمرکز شود و برای ملاک‌هایی مانند فراوانی، شدت، مدت و حالت، پیامدهای آن‌ها را ثبت کند.

سوالاتی که می‌توان روزانه از خود داشت، عبارت‌اند از:

- امروز عملکردتان را چگونه توصیف می‌کنید؟
- آیا دستیابی به هدف یا هدف‌هایتان دشوار بود؟
- فکر می‌کنید در دفعه‌ی بعد، انجام چه کاری دستیابی به هدف را برایتان آسان می‌سازد؟

\* فراشناخت  
اخلاقی، نحوه‌ی  
استدلال کودکان  
را نسبت به  
اقداماتشان تحت  
تأثیر قرار می‌دهد.  
آنان می‌توانند،  
جنبه‌های اخلاقی  
رفتارشان را  
تشخیص دهند و  
بین عمل اخلاقی  
و استدلال اخلاقی  
رابطه برقرار کنند

